رویداد

در پایان سفر نیویورک در جمع خبرنگاران

ظریف: با اعضای کنگره گفت‌وگو کردم

● **ایسنا:** وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد در جریان سفر به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل با چند نفر از اعضای کنگره آمریکا به صورت تلفنی صحبت کرده است. محمدجواد ظریف، در پاسخ سؤالی مبنی بر اینکه آیا در این سفر نیز با اعضای کنگره آمریکا دیدار یا رایزنی داشته است، اظهار کرد: «من در سفرهای مختلف با گروه‌های مختلف آمریکایی دیدار و رایزنی دارم؛ البته این بار سفرم را بسیار کوتاه کردم. البته همان‌طور که می‌دانید، اکنون فضای آمریکا فضای استیضاح است و همه در این فضا هستند. با چند نفر تلفنی صحبت کردم. آنها به من تلفن زدند و چون حضور من در نیویورک کوتاه بود، این امکان نبود که وقتش را هماهنگ کنیم که آنها برای دیدار حضوری به نیویورک بیایند».

این دیپلمات عالی‌رتبه ایران در پاسخ به این سؤال که درخواست ایران از اعضای کنگره آمریکا چیست، خاطرنشان کرد: «ما خواسته‌ای از اعضای کنگره آمریکا نداریم. در امور داخلی آمریکا هم دخالتی نمی‌کنیم و دیدارهایی که تا الان داشته‌ایم، به درخواست طرف مقابل بوده است. ما از این دیدارها برای ارائه یک تصویر واقعی از ایران استفاده می‌کنیم، نه برای درخواست».

ظریف در پاسخ به سؤال دیگری درباره سرنوشت اینستکس تصریح کرد: «این موضوع بستگی به اروپایی‌ها دارد. سرنوشت اینستکس واقعا بسته به این است که اروپایی‌ها به این نتیجه برسند که نمی‌توانند از آمریکایی‌ها برای هر کاری اجازه بگیرند». ظریف همچنین درباره برخی اخبار درمورد مباحث مطرح‌شده درباره دیدار روحانی و ترامپ در نیویورک و مسائل مربوط به آن گفت: «ما شرطمان این بود که برای دیدار نه بین آقایان روحانی و ترامپ؛ بلکه سران ۵+۱ با آقای روحانی، باید با رفع تحریم‌ها این دیدار انجام شود. آقای ترامپ هم نه اینکه گفته باشند بعد از دیدار این [رفع تحریم‌ها] انجام شود؛ بلکه مایل بود بیشتر دیدار انجام شود و می‌گفتند این امکان هم هست که بعد از دیدار تحریم‌ها رفع شود».

وزیر امور خارجه ایران در ادامه صحبت‌های خود با خبرنگاران در پاسخ به سؤالی درباره علت اصرار اروپایی‌ها به انجام دیداری بین مقامات ایران و آمریکا در حاشیه برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد اظهار کرد: «اروپایی‌ها نتوانستند به تعهدات خود در برجام و همچنین به تعهداتی که بعد از خروج آمریکا از برجام ارائه کردند، عمل کنند. آنها فکر می‌کنند راه‌حل مشکلات‌شان این است که ما با ترامپ مذاکره کنیم». وزیر خارجه ایران در همین راستا تأکید کرد: «این مشکل ما نیست. آنها در اجرای تعهدات‌شان ایراد دارند، مشکل دارند یا اراده و توان کافی ندارند که این تعهدات را اجرا کنند. آنها باید برای حل این مشکل‌شان راه‌حلی پیدا کنند. ما آمادگی نداریم اقتصاد مردم و آینده مردم‌مان را در گرو یک دیدار نمایشی با رئیس‌جمهوری قرار بدهیم که تاکنون به تعهدات خود پایبند نبوده است و از تعهدات خود خارج شده است». ظریف خاطرنشان کرد: «ما همواره اعلام کرده‌ایم اگر آمریکایی‌ها می‌خواهند این توفیق را داشته باشند که با جمهوری اسلامی ایران طرف صحبت شوند، باید به تعهدات خود بازگردند و تحریم‌ها را متوقف کنند».

وزیر امور خارجه ایران همچنین در پاسخ به این سؤال که گفته شده برخی از کشورها ازجمله پاکستان از طرف عربستان پیام‌هایی را برای ایران آورده‌اند و آیا طرف ایرانی نیز از طریق این واسطه‌ها پیامی را به عربستان فرستاده است؟ تصریح کرد: «ما همه پیام‌های‌مان علنی است و آن این است که ما به همه همسایگان‌مان گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که امنیت را نمی‌توانند از طریق خرید سلاح‌های آمریکایی، بازکردن پای آمریکایی‌ها به منطقه و درگیری در جنگ‌های بی‌پایان با همسایگان به دست آورند. امنیت از طریق اعتماد به مردم خودشان و انجام گفت‌وگو و همکاری با همسایگان حاصل می‌شود».

ظریف با اشاره به طرح «ابتکار صلح هرمز» که رئیس‌جمهور در جریان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را مطرح کرد، افزود: «پیشنهاد مجدد آقای روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل دراین‌باره به این دلیل بود که ما یک بار دیگر در بالاترین سطح پیشنهاد گفت‌وگوی منطقه‌ای برای صلح را مطرح کنیم». این دیپلمات عالی‌رتبه ایران خاطرنشان کرد: «کسانی که پیغام آوردند، تلاش‌شان در این راستا بود که از گسترش و تشدید تنش در منطقه جلوگیری کنند و این تلاش‌ها، تلاش‌های بسیار پسندیده‌ای است».

ظریف تأکید کرد: «ما معتقدیم راه جلوگیری از تشدید تنش در منطقه در شرایط کنونی کاملا مشخص است و آن این است که جنگ یمن را پایان دهید، جنگ یمن را پایان دهید؛ یعنی به کشتار مردم بی‌گناه یمن که اکنون تعداد زیادی از آنها گرسنه هستند و با وبا دست به گریبان هستند و آواره شده‌اند، پایان دهید. با انجام این کار تشنج در منطقه را پایان می‌دهید و همین‌طور به کاسته‌شدن بیشتر از حیثیت عربستان سعودی نیز پایان داده می‌شود و این بهترین راه‌حل است». ظریف خاطرنشان کرد: «ما فکر می‌کنیم عربستان سعودی هرچه زودتر این واقعیت را بپذیرد، سریع‌تر به وضعیت بسیار خطرناک در منطقه پایان داده است».

politics@sharghdaily.ir

طالبان علیه کمونیست‌ها

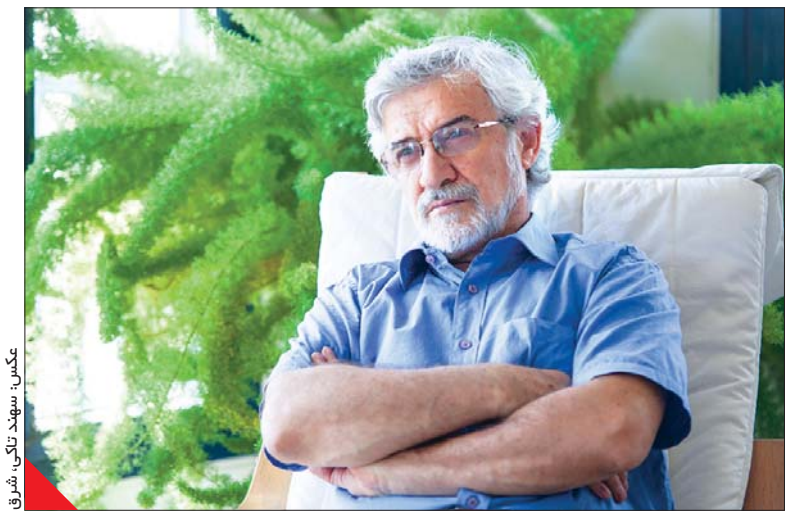

عکس: سهند تلکی، شرق

ادامه از صفحه ۶

بخشی از آنها در گروه‌های جهادی یونس خالص، سیاف و حکمتیار بودند که علیه کمونیست‌ها می‌جنگیدند. بنابراین انگیزه‌های ایدئولوژیک قوی‌ای داشتند و هویت دینی انگیزه حرکتشان در مقابل کمونیست‌های ضد خدا بود. این خمیرمایه این افراد را به شکل گروه‌های ایدئولوژیک تنظیم کرد. وقتی به سراغ پدیده‌های جدید و مدرن اجتماعی مثل تلویزیون می‌رفتند، مخالفت می‌کردند یا آنچه از غرب می‌آمد برایشان کفر بود و هست. اینها وقتی در قالب حاکم و حاکمیت روی کار آمدند، قانون‌های خودساخته و افراطی گذاشتند.

برداشت‌های تنگ و تاریک خودشان را اعمال می‌کردند مثل اینکه زن‌ها نباید به مدرسه بروند یا از خانه بیرون بروند و فعالیت اجتماعی داشته باشند که در هیچ جای اسلام نیست و زاییده ذهن کور این افراد است. طالبان را با چنین سابقه‌ای در منطقه داریم تا اینکه جریان ۱۱ سپتامبر به وجود آمد.

یکی از گره‌های ذهن من و برخی مخاطبان این است که ایران و آمریکا در برهه‌ای زمانی بر سر شکست‌دادن طالبان، همکاری اطلاعاتی و نظامی می‌کنند. ماجرای این همکاری هیچ‌وقت شفاف اعلام نشد. شما چقدر در رفع این گره ذهنی می‌توانید به ما اطلاعات دهید؟

من در آن دوره در ایران نبودم و به‌طور دقیق نمی‌توانم صحبت کنم، هرچند قضایا را از دور دنبال می‌کردم. جریان ۱۱سپتامبر تحول تاریخی بود. پیش از آن، به طالبان به‌عنوان تهدید نگاه نمی‌کردند بلکه فرصتی بود که توسط طالبان می‌توانند در افغانستان نفوذ داشته باشند.

اما سپتامبر و حمله القاعده، آمریکا را تکان داد. تا قبل از آن، ایران به این جمع‌بندی قطعی رسیده بود که طالبان تهدید است. وقتی دو دولت ایران و آمریکا متوجه شدند تهدید واحدی علیه هردوشان است، طبیعتا زمینه‌های واحدی را برای خود تعریف کرده و عمل کردند. دولت فعلی افغانستان، محصول همکاری‌هایی بود که طالبان در آن پس زده شد. منتها طالبان به روش خشونت‌باری پس زده شد. ریشه‌های اصلی و سیاسی قضیه در جای خود ماند که اگر به ریشه‌ها پرداخته نشود طالبان در جای خودش محفوظ خواهد بود. باوجود اینکه آمریکایی‌ها پرفشار حاضر شدند، طالبان بساط خود را جمع کرد و مدتی بعد دوباره باز شد و در حال حاضر موجودیت دارد.

از طالبان حاکم بر افغانستان و دوره خشونت‌بار بگذریم و به اینجا برسیم که ایران با طالبان مذاکره را شروع کرد و حتی اخباری مبنی بر این است که برخی مقامات طالبان در ایران اقامت دارند؛ مثلا حضور ملااختر، محمد منصور و اخیرا طیب آغا. حتی آنچه درباره اقامت برخی رهبران طالبان در فرمانیه مطرح شده اما هیچ‌وقت تأیید یا تکذیب نشد. درباره این حضورها می‌توانید با شفافیت صحبت کنید؟

من منبع مناسبی برای صحبت در این مورد نیستم که این قضایا صحت دارد یا نه. مثل شما شنونده اخبار هستم و به جایی وصل نیستم که بتوانم صحت این اخبار را بدانم. من هم شنیده‌ام که ارتباطاتی بوده و اطلاعاتی بیشتر از شما ندارم. من ناظر و تحلیلگر مسائل هستم.

سؤالم را از منظری دیگر می‌پرسم؛ اساسا رابطه جمهوری اسلامی ایران با طالبان خشن خارج‌شده از قدرت را در سطحی می‌بینید که ارتباط‌هایی در این سطح در مورد آن شدنی باشد؟ آن‌قدر که با هم وارد گفت‌وگو شوند؟

چراکه نه. به دو دلیل؛ نخست اینکه دوره گذشته، آنها در قدرت بودند و طالبان با ایران و جریانات وابسته به ایران رفتارهای تقابلی داشتند، اما در حال حاضر طالبان مثل قبل یکی از گروه‌های فعال در صحنه افغانستان است. ایران فکر می‌کند باید با طرف‌های مقابل در افغانستان ارتباط داشته باشد که منطقی است. دوم اینکه کسانی که تصمیم می‌گیرند لابد از این منطق استفاده می‌کنند که دشمنِ دشمن من، دوست من است. طالبان ظاهرا دشمن آمریکا است. یک وجه از وجوه مختلف در افغانستان تقابلی است که بین طالبان و آمریکا شکل گرفته است. تهدید طالبان از نظر مسئولان ایرانی در مقایسه با تهدید آمریکا کم‌خطرتر است و ارتباط‌داشتن با آنها توجیه‌پذیر است.

پس این استدلال می‌تواند با نشست‌های دوحه به هم بریزد. در دوحه آمریکا و طالبان با هم مذاکره می‌کنند و حتی اخباری پخش می‌شود که خلیل‌زاد در حال موفق‌شدن است که آنها را به توافق برساند پس اینجا ایران می‌تواند نگران شود.

اینکه مسائل افغانستان در مذاکرات زلمای خلیل‌زاد با طالبان حل شود، خیلی ذهنی و خیالی است. کسانی‌که از مسائل افغانستان مطلع باشند خوب می‌دانند که از پیچیده‌ترین مسائل دنیاست و هیچ‌وقت به چنین جمع‌بندی‌ای نمی‌رسند. در طول چهار دهه گذشته دولت‌های آمریکایی که در مورد افغانستان کار کرده‌اند، عموما در مقاطعی اشتباهات سنگینی داشتند، چون از افغانستان شناخت نداشتند. این گفته هم درباره اوباما و هم ترامپ صدق می‌کند. تصور می‌کنند با دو فرمان و فرستادن هواپیما مشکل افغانستان حل می‌شود. در ابتدای حمله گسترده آمریکا به افغانستان هم پیش‌بینی کرده بودم که قضیه با این کارها حل نمی‌شود و افراط به پاکستان کشیده می‌شود. مذاکرات دوحه هم نمی‌تواند مسئله افغانستان را حل کند، چون مسئله افغانستان پیچیده است و ریشه‌هایش در دست طالبان و آمریکا نیست که بتوانند آن را حل کنند. حداکثر در جهت مقاصد خاصی و به شکل محدودی می‌توانند قدم‌های کوچکی بردارند.

این فرمایش شما صحیح که نمی‌شد انتظار داشت مسئله افغانستان در دوحه حل شود، اما وقتی در دوحه توافقی بین طالبان و آمریکا انجام شود، می‌تواند بخشی از پازل سیاسی افغانستان شود. اساسا مذاکرات دوحه می‌توانست به توافقی برسد که به سمت کمپ دیوید برود؟ اگرچه اکنون می‌دانیم که آن مذاکره شکست خورد.

اطلاع دارید که هفته قبل زلمای خلیل‌زاد به کنگره فراخوانده شد. به اصرار او، جلسه محرمانه برگزار شد و اطلاع ما درباره کاری که ایشان در جلسات افغانستان انجام داده، بسیار محدود است؛ اما آنچه از مجموعه مذاکرات ۱۰ماهه می‌توان برداشت کرد، انگیزه اصلی ترامپ در راستای بهره‌جویی شخصی در حوزه سیاست خارجی است؛ مثلا در فعالیت‌های انتخاباتی پیش‌رو تبلیغ کند و بگوید درباره مسائل کوبا، کره شمالی، ایران، سوریه و افغانستان این کارها را کرده‌ام. از مجموعه مسائل مهمی که درباره افغانستان وجود دارد، زلمای خلیل‌زاد فقط روی یک موضوع خاص جلو می‌رفت. گویا نتیجه توافق این بوده که از حدود ۱۵ هزار نیروی آمریکایی حاضر در افغانستان حدود شش، هفت هزار نفر از افغانستان خارج شوند و هیچ نتیجه دیگری نبوده. موضوعات اولیه‌ای که باید در دور اول مسئله مذاکره مطرح شود، مذاکرات دولت افغانستان و طالبان است. طالبان دولت افغانستان را قبول ندارد و می‌گوید اینها مثل ما یک گروه هستند. درعین‌حال خروج نیروها نیز کامل و قطعی نیست. موضوع دیگر این است که طالبان تعهد کردند در هیچ عملیات تروریستی در آمریکا شرکت نکنند که خب مسئله‌ای نیست.

چرا خلیل‌زاد دنبال چنین طرحی است؟

مأموریتش این است. در کمپ دیوید قرار بوده فیلی هوا شود. تا ۲۴ ساعت قبل از این قضیه در روزنامه‌های افغانستان صحبت از سفر آقای اشرف غنی به آمریکا بود، هیچ خبری از رفتن طالبان به آمریکا نبود. کاملا مخفی نگه داشته شده بود. کمپ دیوید انتخاب شد، شاید چون در قضیه فلسطین توافق تاریخی در آن مکان صورت گرفته بود و ترامپ می‌خواست بگوید ما در آنجا مسئله را حل کردیم. به‌این‌ترتیب در برابر رقبای انتخابات پیش‌رو بهره‌جویی کند؛ اما این اتفاق هم نیفتاد. مطالبی شنیده‌ام؛ اما برایم هنوز مشخص نیست که چرا ساعت‌های آخر، این معامله به هم خورد، از طرف اشرف غنی بود یا ترامپ یا طالبان؟ هر سه از این توافق به شکلی متفاوت بهره‌مند می‌شدند.

روزهای گذشته در افغانستان انتخابات برگزار شد و به نظر می‌رسد طالبان باز هم به سمت خشونت می‌رود و ازآنجاکه انتخابات را به رسمیت نشناخته، روزهای خوشی پیش‌رو نخواهیم داشت. منافع ملی ما درباره افغانستان پیش‌رو چیست؟ افغانستان به کدام سمت برود، برای ما نگرانی کمتری خواهد داشت؟

انتخابات افغانستان از یک منظر مثبت است؛ اما من به‌این‌دلیل نگرانم که در انتخابات قبلی دعواهای جدی بر سر تقلب صورت گرفت و اگر تلاش‌های جان کری نبود، حتما جهنم دیگری در افغانستان درست می‌شد و ترکیب فعلی از سوی جان کری تنظیم شد. من با افغانستانی‌ها کار کرده‌ام و می‌دانم اینکه چنین مجموعه‌ای را به این توافق برسانند، چقدر سخت است.

اما در همه سال‌های این دولت به نظر می‌رسید هیچ‌گونه همکاری بین عبدالله عبدالله و اشرف غنی وجود ندارد.

شما باید وضعیت سال‌های اخیر را با زمانی مقایسه کنید که در کابل سنگربندی شده بود؛ مثلا در دهه ۷۰ که من برای آتش‌بس رفته بودم؛ حتی یک گربه نمی‌توانست از منطقه جنگی آنجا رد شود. درباره این انتخابات نگران هستم؛ چون وضعیت امنیتی بد است، مشارکت کم است. طالبان در روند دموکراسی موانع جدی ایجاد می‌کند. نکته اصلی‌تر این است که بسیاری از سیاست‌مداران افغانستان هنوز با توجه به ضوابط دموکراسی عمل نمی‌کنند. این باعث می‌شود مشکلاتی شکل بگیرد و با مسائل هویتی پیوند بخورد. چون قومیت‌ها و زبان‌های مختلفی در آنجا هست که کار را برای هر دولتی سخت‌تر می‌کند. نکته دیگر این است که فساد و ارتشا بیداد می‌کند. هرجا پول‌های زحمت‌نکشیده بیاید، فساد وجود دارد؛ مثل پول نفت که در کشور ما این همه مدت مشکل ایجاد کرده. در افغانستان هم پول‌های میلیاردی وجود دارد که هرکس می‌خواهد تحت نام پروژه‌ها سهمی از آن ببرد. البته افراد شریفی بین دولتمردان هستند که دلشان برای افغانستان می‌سوزد؛ اما برخی هم به دنبال پرکردن جیب خودشان هستند که همین زمینه‌ای می‌شود برای یک‌سری ارتباطات خارج از دولت و خارج از افغانستان یعنی جریان اطلاعاتی کشورهای دیگر (همسایه یا خارج از منطقه). قدرت‌های دیگر از اینها به‌عنوان ابزار خودشان در راستای اعمال نفوذ و سیاست‌های خودشان استفاده می‌کنند. در یک جمله می‌توان گفت دموکراسی در افغانستان به شمولیت مسئله انتخابات به‌سختی قدم برمی‌دارد؛ اما باید این کار صورت بگیرد و باید در حد اصلاح امور کار شود.

افغانستان به کدام سمت برود، به نفع ماست؟

افغانستانی که آرامش داشته باشد، منافع ما را تهدید نکند و محل حضور دشمنان ما نباشد. یک افغانستان مرفه به نفع ماست.

آیا دولتی را ممکن است متصور شویم که ترکیبی از همه قومیت‌ها باشد تا سهم‌خواهی قومی از قدرت به شکلی رفع شود؟

دموکراسی درحال‌حاضر بهترین شکل حکومت است که بشریت بعد از چند هزار سال تجربه به آن رسیده. شاید پاسخ‌گوی همه مشکلات نباشد؛ اما انتخاب بهتری وجود ندارد.

منظورتان صندوق رأی است.

بالاتر از صندوق رأی؛ چون در صندوق رأی اکثریت تعیین‌کننده است؛ اما در دموکراسی ناچارید بعد از صندوق رأی احترام به حقوق اقلیت را هم لحاظ کنید. در افغانستان تصور می‌کنم شدنی است؛ اما نه به این زودی. آموختن آداب دموکراسی مهم است. در دموکراسی باید به حقوق و رأی همدیگر احترام بگذاریم؛ اما اینها تئوری است و برای رسیدن به عمل زمان نیاز داریم. همه‌جا همین‌طور است.

ارزش‌گذاری شرکت‌های زیست‌فناوری

ادامه از صفحه ۵

دو روش به‌طور ویژه برای ارزش‌گذاری شرکت‌های زیست‌فناوری در این مرحله از توسعه انطباق داده شده‌اند: روش جریان نقدی آزاد تنزیل‌شده همراه با درخت تصمیم‌گیری و روش مونت‌کارلو.

با توجه به اینکه فرایند توسعه یک دارو ۱۰ تا ۱۵ سال طول می‌کشد، ضروری است تا رویکردهایی به کار گرفته شوند که پارامترهای موفقیت پروژه در طولانی‌مدت را در نظر می‌گیرند. روش اول که به نام «جریان نقدی آزاد تنزیل‌شده» شناخته می‌شود، یک روش ارزش‌گذاری مالی است که می‌تواند ارزش پروژه‌های تحقیق و توسعه در حال انجام را بسنجد. این روش امکان ارزش‌گذاری بهتر پروژه‌هایی را فراهم می‌کند که در مرحله بالینی یا در مرحله ارزیابی مقرراتی قرار دارند. درخت‌های تصمیم‌گیری احتمالات مختلف قابل تصور (تصویر پایین) و تأثیر متغیرهای مختلف و ترکیب حوادث گوناگون را بر پروژه مورد ارزیابی قرار می‌دهند (هزینه، طول دوره، احتمال موفقیت و مبلغ سرمایه‌گذاری).

تصویر ص ۲۸: ارزش حال خالص برای پروژه (x) به کمک مجموع جریان‌های نقدی برای هر انتهای شاخه ضربدر احتمال موفقیت آن به دست می‌آید. رویکرد دوم که روش شبیه‌سازی مونت‌کارلو نامیده می‌شود، ارزیابی آماری ریسک را در ارزش‌گذاری مالی وارد می‌کند. این روش شامل جداسازی تعداد مشخصی از متغیرهای کلیدی پروژه (گردش مالی، حاشیه و ...) و نسبت‌دادن یک توزیع احتمالات به آنها است. برای هرکدام از این متغیرها به‌طور اتفاقی تعداد زیادی از احتمالاتی که از قبل تعریف شده‌اند، در نظر گرفته می‌شوند تا احتمال بروز هرکدام از نتایج تعیین شود. به‌طورکلی هدف این رویکرد محاسبه یک ارزش عددی با استفاده تکنیک‌های احتمالات است.

ورود به بازار، رشد، بلوغ و افول

محصولاتی که در مرحله ورود به بازار هستند، محصولاتی در حال تولد محسوب می‌شوند. این محصولات با هزینه بازاریابی بسیار بالایی وارد بازار می‌شوند چراکه دوره تجاری‌سازی دارای طول عمری محدود بین هشت تا ۱۰ سال است. در واقع دوره طولانی ۱۰ تا ۱۵ ساله تحقیق و توسعه از دوره حیات گواهی حق انحصاری تولید که برای مدت ۲۰ سال تعیین شده، کسر می‌شود. بنابراین دوره تجاری‌سازی نسبتا کوتاه است. بازه زمانی که بین زمان ارائه درخواست گواهی حق انحصاری تولید برای یک محصول دارویی جدید و دریافت مجوز ورود به بازار طی می‌شود، مدت زمان حمایت مؤثر اعطاشده از سوی گواهی حق انحصاری تولید را کاهش می‌دهد. بنابراین دوره زمانی مذکور برای استهلاک سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته برای پژوهش ناکافی است. در مرحله رشد محصولات در اوج تولید و توسعه قرار دارند. رقابت تشدید می‌شود و این مسئله باعث افزایش نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر از سوی شرکتی می‌شود که مایل به کسب یا حفظ بخشی از بازار است.

در مرحله بلوغ محصولات به سن پختگی و بلوغ خود می‌رسند و تعداد رقبای جدید کمی مشاهده می‌شوند. برعکس رقابت بین عاملانی که پیش از این در بازار حضور داشته‌اند، به دلیل اشباع تقاضا تشدید می‌شود. محصول بسیار سودآور است و نیاز کمی به سرمایه‌گذاری جدید وجود دارد. به طور کلی و با این حال در این مرحله شاهد کاهش قیمت فروش خواهیم بود. سرانجام در مرحله افول، محصولات در پایان چرخه زندگی خود هستند و دیگر تحت حمایت حق انحصاری تولید نیستند. به دنبال ورود نسخه‌های ژنریک به بازار، کاهش شدید تقاضا قابل مشاهده است. برخلاف داروهای کلاسیک که ۹ ماه پس از انقضای گواهی حق انحصاری تولید می‌توانند با کاهش فروش تا سطح ۹۰ درصد مواجه شوند، داروهای بیو تنها کاهش فروش ۲۰ درصد تا ۳۰ درصد را تجربه می‌کنند. داروهای مذکور به دلیل عدم جایگزین‌پذیری میان محصولات و تعداد محدودتر رقبا (به دلیل سرمایه‌گذاری بسیار بالایی که به‌ویژه برای تولید این محصولات ضروری است) از شرایط بهتری برخوردارند.

ارزیابی درآمدهای آتی

در مورد مراحل رشد، بلوغ و افول استفاده از روش جریان نقدی آزاد تنزیل‌شده که بر تنزیل جریان‌های نقدی آزاد استوار است، این مزیت را به همراه دارد که هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای بهره‌برداری متناسب با پیش‌بینی‌های اقتصادی در فرایند ارزش‌گذاری لحاظ می‌شوند (تصویر بالا).

به این ترتیب ارزش محصول به عنوان مبلغ تنزیل‌شده جریان‌های نقدی ناشی از حق امتیازات تعریف می‌شود. در واقع این روش شامل ارزش‌گذاری دقیق درآمدهای آتی براساس برنامه بهره‌برداری می‌شود که با درنظرگرفتن استمرار اقتصادی پروژه تعیین شده است. در عمل جریان نقدی آزاد برای یک محصول دارویی (با اندازه‌گیری درآمدها و هزینه‌های مربوط به این بهره‌برداری) بر اساس مقیاس زمانی محدود بین هشت تا ۱۰ سال محاسبه می‌شود که به مدت زمان باقی‌مانده از دوره حمایت مجوز حق انحصاری تولید مربوط می‌شود. این روش امکان برآورد جریان‌های مالی (CFt) برای هر سال در افق پیش‌بینی‌شده معین را فراهم می‌کند تا سپس با نرخ (k) که به هزینه سودآوری مالی مورد انتظار سرمایه‌گذار مربوط است، تنزیل شود. به همان میزان که جریان‌های مالی مورد انتظار با عدم قطعیت مواجه است، سودآوری مورد انتظار بالاتر است. با توجه به عدم قطعیت بالا و دوره طولانی قبل از بازگشت سرمایه در بخش زیست‌فناوری و به منظور تعیین بهتر نرخ تنزیل (k) لازم است مطالعه عمیقی درباره ریسک‌هایی که پروژه با آنها مواجه می‌شود، انجام شود (ریسک‌های فنی، مالی، مقرراتی، تجاری، حقوقی و...). قطعا ارتباطی خطی میان این نرخ و ریسک بهره‌برداری وجود دارد. تفاوت اصلی که باید با توجه به مرحله‌ای که پروژه در آن قرار دارد، مد نظر قرار بگیرد، به نرخ رشد جریان نقدی مربوط می‌شود: مثبت و بالا در مرحله رشد، مثبت و ضعیف در مرحله بلوغ، منفی و ضعیف (برای داروهای بایوسیمیلار) یا بالا (در مورد ترکیبات شیمیایی) در مرحله افول.

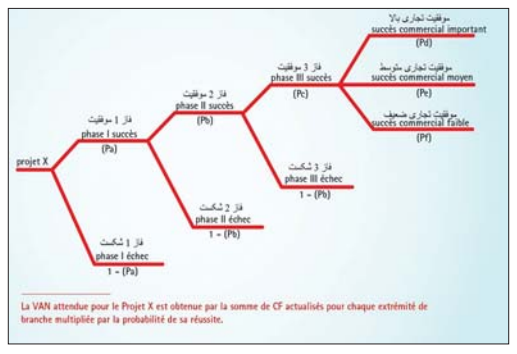

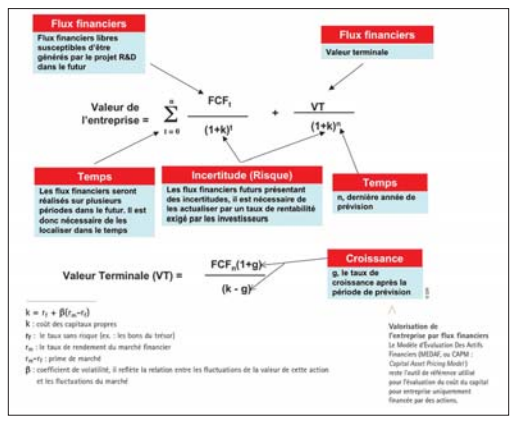

*استاد مدیریت نوآوری و فاینانس در مدرسه عالی مدیریت گرونبل

کوتاه از دیپلماسی

عیادت اینترنتی ظریف از روانچی

● به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت امور خارجه، وزیر امور خارجه در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «پس از کارشکنی آمریکایی‌ها در عدم اجازه برای عیادت از دوست و همکار ۴۰ ساله خود به مدد فناوری توانستم با مجید تخت‌روانچی صحبت کنم». محمدجواد ظریف در این توییت افزود: «سفیرمان در سازمان ملل در بیمارستانی در نیویورک بستری است و تنها چند ساختمان با او فاصله داشتم». به گزارش ایسنا، ظریف در جمع خبرنگاران پیش از ترک نیویورک در مورد آخرین وضعیت سفیر ایران در سازمان ملل متحد که به علت بیماری در بیمارستان بستری است، گفت: «ان‌شاءالله آقای روانچی به زودی بهبود پیدا می‌کند و به منزلشان بازمی‌گردد. ایشان در ماه اول سفارت در نیویورک تشخیص داده شد که یک مشکل سرطانی دارند، الحمدلله با تشخیص صحیح و انجام عمل جراحی سریع خطر رفع شده است، ولی مقداری ناراحتی و فشار بعد از عمل و شیمی‌درمانی برای ایشان پیش آمد». وزیر امور خارجه کشورمان ادامه داد: «با وجود اینکه بیمارستانی که ایشان بستری بودند با محل اقامت من شاید فاصله چندصدمتری داشت، اجازه ندادند که به عیادت ایشان بروم. امروز به‌ناچار از وسایل الکترونیکی استفاده کردیم و با ایشان صحبت کردم. به نظر می‌رسد که الحمدلله حال ایشان بهتر شده و ان‌شاءالله در روزهای آینده می‌تواند برگردد و ان‌شاءالله ما مجددا ایشان را روی صفحه تلویزیون ببینیم».

عبدالمهدی: فعلا برنامه‌ای برای سفر به تهران ندارم

● **ایسنا:** به گزارش الفرات‌نیوز، عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق، یکشنبه در یک نشست خبری گفت که درحال‌حاضر برنامه‌ای برای سفر به تهران ندارد. وی افزود: «عراق نقش مثبتی برای کاهش تنش در منطقه ایفا می‌کند و اکنون تمام طرف‌ها از جمله عربستان، ایران و آمریکا به دنبال کاهش تنش و حل مشکلات هستند». پیش از این یک منبع نزدیک به نخست‌وزیر عراق گفته بود نخست‌وزیر عراق هفته جاری به تهران سفر خواهد کرد. عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق اخیرا به عربستان سفر کرده بود.

رئیس‌جمهور عصر امروز به ارمنستان سفر می‌کند

● **ایسنا:** رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به دعوت رسمی نخست‌وزیر ارمنستان، عصر امروز به این کشور سفر می‌کند. معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور ضمن اعلام این خبر گفت حسن روحانی برای حضور و سخنرانی در اجلاس سران اتحادیه اقتصادی اوراسیا که روز سه‌شنبه برگزار خواهد شد، به ایروان سفر می‌کند. پرویز اسماعیلی گفت روحانی دیدارهای دوجانبه‌ای با نخست‌وزیر و مقامات ارشد ارمنستان خواهد داشت. به گفته اسماعیلی، روحانی همچنین دیدارهای جداگانه‌ای با برخی سران حاضر در این اجلاس خواهد داشت.

دیدار جابری‌انصاری با نوری مالکی

● **ایسنا:** معاون امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه کشورمان با رئیس ائتلاف دولت قانون عراق دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش السومریه‌نیوز، حسین جابری‌انصاری که به بغداد سفر کرده است، یکشنبه با نوری المالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون عراق دیدار کرد. مالکی در این دیدار با اشاره به بحران‌های منطقه گفت: این بحران‌ها باید از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز و به دور از زبان تنش حل شوند. جابری‌انصاری ضمن تشکر از نقش عراق در نزدیک‌کردن دیدگاه کشورهای منطقه به یکدیگر گفت: ما نمی‌خواهیم که عراق به میدان جنگی میان ایران و دیگر کشورها تبدیل شود.

وزیر خارجه ایران: جنگ سایبری با ایران را آمریکا آغاز کرد

● **ایرنا:** محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، در گفت‌وگو با یک رسانه آمریکایی با بیان اینکه جنگ سایبری با ایران را آمریکا آغاز کرد، تأکید کرد که اگر ایالات متحده جنگی را شروع کند، پایان‌دهنده آن نخواهد بود. ظریف بامداد یکشنبه در برنامه «Meet the Press» در شبکه خبری ان‌بی‌سی آمریکا گفت که ایالات متحده اگر جنگی را آغاز کند، قادر به پایان‌دادن آن نخواهد بود. ظریف در پاسخ به این پرسش که آیا دخالت سایبری در انتخابات آمریکا تاکتیکی است که ایران مانند روسیه به کار می‌برد، گفت: ما هیچ ترجیحی در انتخابات شما نداریم که بخواهیم در آن دخالت کنیم. وی در جواب مجری برنامه که گفت: «این به این معنا نیست که شما دخالت نمی‌کنید»، تأکید کرد: ما در امور داخلی کشور دیگری دخالت نمی‌کنیم؛ اما جنگی سایبری وجود دارد که در جریان است. رئیس دستگاه دیپلماسی توضیح داد: ایالات متحده این جنگ سایبری را با حمله به تأسیسات هسته‌ای ما به طریق خطرناک و غیرمسئولانه‌ای آغاز کرد که می‌توانست جان میلیون‌ها انسان را بگیرد. وی با اشاره به ویروس‌های طراحی‌شده توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی که تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف گرفته بودند، افزود: استاکس‌نت، زرو دِی و عملیات المپیک را به یاد دارید. بنابراین یک جنگ سایبری وجود دارد و ایران درگیر آن است. ظریف ادامه داد: هر جنگی که ایالات متحده آغاز کند، قادر به پایان‌دادن آن نخواهد بود.